

اسناد قنات گلشن آشتیان

اسدالله عبدلی آشتیانی

تلگراف سیدضیاء الدین طباطبایی و اسناد قنات گلشن^۱ آشتیان از ۱۲۹۹ خورشیدی تا ۱۳۱۱ خ

«بخش اول»

میرزا یوسف آشتیانی معروف به آقا و ملقب به مستوفی الممالک (۱۲۲۷ ق - ۱۳۰۳ ق) ابن میرزا حسن مستوفی آشتیانی پس از پدرش در سال ۱۲۶۱ ق از طرف محمد شاه قاجار لقب مستوفی الممالکی گرفت.

«در سال ۱۲۶۸ ق به مسقط الرأس خود آشتیان آمد و به کشاورزی پرداخت: وی تصمیم گرفت زمین‌های موات گلشن را آباد سازد. به همین منظور حدود ۱۸۰ حلقه چاه در حاشیه تقریبی مسیر حفر کرد و با مشقت فراوان آب را در دشت گلشن آفتابی ساخت؛ این اقدام سبب کاهش آب [دشت] آدینه و نارضایتی زارعین خرده کار گردید. کشاورزان بنای داد و فریاد برداشته و بارها گاه و بیگاه چاه‌های حفر شده را با خاک و سنگ پر کردند. مستوفی از این اعمال مطلع می‌شد، ولی واکنش تحریک‌آمیزی از خود بروز نمی‌داد، آدینه‌ای‌ها وقتی سنگ زیرین را سخت دیدند، کم‌کم دست از مخالفت برداشتند و به همان مقدار آب قلیل اکتفا کردند. در دوره سلطنت احمدشاه هنوز آب از آسیاب نیفتاده بود.»^۲

«در سال ۱۳۳۷ ق میرزا حسن خان مستوفی الممالک آشتیانی (۱۲۹۱ هـ. ق - ۱۳۱۱ ش)، فرزند میرزا یوسف مستوفی الممالک (جناب آقا)، دشت گلشن آشتیان را، که از پدرش به ارث رسیده بود، به: معتمدالسلطان میرزا حسین خان [جمالی]، فرزند جناب حاج آقا ابراهیم آشتیانی، به مبلغ سه هزار و چهارصد تومان فروخت.»^۳

میرزا حسین خان جمالی به سال ۱۳۳۹ ق چهار دانگ گلشن را به میرزا عبدالله خان عطائی و برادرش اربابعلی و حاجی رمضان بیک حضرتی و چندین نفر از خرده مالک آشتیانی فروخت. «با کنار کشیدن مستوفی از مالکیت دشت مزبور، مالکین آدینه به رهبری آقا شیخ جعفر شهرابی^۴ دوباره ادعای قبلی خود مبنی بر برگشتن آب قنات گلشن به سمت آدینه را سر دادند و چون ملک آدینه دارای موقوفات بود کشاورزان آدینه، که حامی استخوانداری نداشتند، در وجود آقا شیخ جعفر صلابت و پایمردی دیدند و گردش جمع شدند، مرحوم شیخ جعفر هم در صدد رفع غائله به نفع آدینه‌ای‌ها برآمد.»^۵

^۱ دشت گلشن و آدینه: دو دشت کشاورزی آشتیان که بین مالکین آن از سال ۱۲۶۸ هجری تا ۱۳۱۱ خورشیدی اختلاف بود.

^۲ حضرتی، صادق، رجال و مشاهیر آشتیان - با مقدمه محمد ابراهیم باستانی پاریزی، قم، نشر الماس، ۱۳۸۲، ص ۲۰۷.

^۳ رجال و مشاهیر آشتیان، ص ۳۶۷.

^۴ آیت‌الله حاج میرزا جعفر شهرابی (عسگری) متولد ۱۲۳۹ ش، فرزند حاج حسن از مشاهیر روحانی قرن سیزدهم است. وی در اکثر علوم متداول زمان خود تبحر داشت و به درجه اجتهاد نایل آمده حدود چهل سال از عمر پر برکت خود را در آشتیان به ارشاد، تدریس، تولیت موقوفات و پیشوائی جماعات مشغول بود. و به سال ۱۳۲۰ ش به رحمت ایزدی پیوست و در قم در صحن آینه حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.

^۵ همان منبع، ص ۱۸۱.

آقا شیخ جعفر چون تولیت موقوفات و پیشوای دینی مردم محسوب می‌شد در موضوع حفر چاه‌های گلشن، که توسط میرزا یوسف مستوفی‌الممالک صورت گرفته بود و اختلاف آن تا این زمان ادامه یافته بود، مداخله کرد. حتی تعدادی از کشاورزان را جمع کرده با خود به قم نزد آیت‌الله حاج عبدالکریم حائری برد تا به نحوی قضیه را خاتمه دهد. پس از سالها کشمکش و جدال پراکنده محلی میان منازعان، سرانجام کاری از پیش نبرد.

سیدضیاءالدین طباطبایی در سال ثور [اردیبهشت] ۱۳۰۰ش و در اثنای همین منازعات تلگرافی به قم فرستاد. و از حکومت نظامی عراق خواسته که در امور حقوقی دخالت نکند، و از علماء عظام و اهالی آشتیان دلجویی کند.

از سال ۱۳۰۴ش اختلاف بین مالکین گلشن بر سر مخارج حفر چاه‌ها بالا گرفت و جدال اصلی بین میرزا حسین‌خان جمالی آشتیانی از یک طرف و آقایان میرزا عبدالله خان تاجر، اربابعلی برادر میرزا عبدالله و حاجی رمضان بیک از سوی دیگر شروع شد. این جدال در پایان به سال ۱۳۱۱ش با پادرمیانی میرزا علی اصغرخان ماجدی گرگانی، وکیل عدلیه اعظم در تهران، و میرزا اسماعیل خان مستوفی نوری آشتیانی به مصالحه انجامید. یادآور می‌شوم میرزا حسین خان جمالی خود کارمند وزارت عدلیه در تهران بود.

سند شماره ۱ (سند ۳۴۱)

تلگراف سیدضیاءالدین طباطبایی ریاست وزارت از طهران به قم به اهالی و علماء عظام آشتیان بابت حفر چاه قنات گلشن آشتیان]

نمره قبض ۸۷

طهران

نمره تلگراف ۴۹

بقم

توسط آقایان علماء عظام و اهالی آشتیان معترضین قم حکومت نظامی عراق جمعی از آقایان علماء محترم و اهالی آشتیان به قم آمده تلگرافاً متظلم هستند که میرزا حسین بواسطه حفر قنات گلشن در وسط قصبه اسباب بی‌آبی و خسارت و عرست عموم را فراهم کرده است و از طرف مأمورین حکومتی هم مداخله می‌شود چون رسیدگی این قبیل امور از وظایف عدلیه و فعلاً عدلیه آنجا تعطیل است قدغن نمائید قنات مورد دعوی را بتصرف متصرف سابق ایضاً و مأمورین حکومتی اقدامی نمایند تا عدلیه تشکیل و با این کار رسیدگی و حکم قطعی صادر گردد ۱۳ ثور [اردیبهشت ۱۳۰۰ خورشیدی]، [نمره] ۱۴۰۵ سیدضیاءالدین طباطبایی ریاست وزراء حمل بهر تلگرافخانه قم

سند شماره ۲ (سند ۲۰۴/۲)

[نامه میرزا زین العابدین^۶ و آقا غلامعلی^۷ «فدائیان گلشن» از آشتیان به عراق^۹ چاله میدان منزل قمر خانم حضور مبارک عمده التجار و

الاعیان آقا میرزا عبدالله خان تاجر^{۱۰} آشتیانی]

[به تاریخ] پنجم ذی قعدة ۱۳۹ [هجری]

تصدقت شوم - پس از ادای تقدیم برسم ارادت و اخلاص بندگی به عرض عالی می‌رسانم. امیدوار خاهم [خواهم] که وجود محترم در کمال صحت و استقامت و اعتدال و عافیت بوده باشد. از حال چاکران استحضار فرمائید اله الحمد نعمت سلامتی موجود است و بدعاگوئی آن وجود محترم اشتغال داریم در موضوع کار

^۶ فرزند مشهدی حبیب‌الله عطائی آشتیانی و پسر برادر میرزا عبدالله خان تاجر (عطائی)

^۷ تاجر آشتیانی داماد و دفتردار حجره میرزا عبدالله تاجر در بازار آشتیان

^۸ طرفداران دشت گلشن آشتیان، یکی از دشت‌های حاصل‌خیز کشاورزی آشتیان که در ابتدا متعلق به میرزا یوسف مستوفی‌الممالک (۱۲۲۷ق - ۱۳۰۳ق) بود. و مورد مناقشه جهت حفر چاه قنات با مالکان دشت آدینه آشتیان بود.

^۹ سلطان آباد یا اراک فعلی

^{۱۰} از تاجران بنام اواخر قرن سیزدهم هجری فرزند کربلایی اکبر (۱۳۰۰ق - ۱۳۲۴ش). او و میرزا حسین‌خان جمالی آشتیانی از مالکین بزرگ دشت گلشن آشتیان بودند.

قناعت گلشن و ورود مئورین [مأمورین] خواسته باشید از روز قبل تا اساعه که این عرایض را عرض می‌نمائیم این است آقایان مئور وارد منزل آقا معتمد الایاله^{۱۱} شدند. نهار را در آنجا صرف بعد از نهار تشریف آوردند منزل خودتان بعد از مذاکره و صرف چای فرمودند فردا صبح مقنی حاضر نمائید و شیرینی ما را هم معلوم کنید. چاکران عرض نمودیم. آقای آقا میرزا عبدالله خان در این خصوص دستوری ندادند خوب است صبر نمائید اطلاع به خودشان بدهیم هر چه معلوم فرمودند اطاعت خواهد شد، قبول نکردند و با کمال جدیت گفتگوی دوپست تومان را [عدد به سیاق] را نمودند. که باید نقد رد نمائید بعد از خواهش خیلی زیاد بیست و پنج تومان را تخفیف دادند. یکصد تومان نقد و هفتاد و پنج تومان قبض ۵ روزه مئورین هم برای اطلاع حرکت نمودند برای منزل آقای معتمد الایاله هرچه چاکران انتظار تشریف فرمائی آقایان را کشیدیم که از منزل معتمد الایاله تشریف بیاورند نشد تا اینکه آقای ارباب علی^{۱۲} را فرستادیم که تکلیف مقنی و عمله را معلوم نماید در آنجا هم مدتی بالای معتمد الایاله مذاکرات نمودند ایشان هم فرمودند باید شیرینی و حق الزحمت به من بدهید تا واصل کار بشویم و الا ما پیشرفت بکند. ممکن نیست که چرخ را سر چاه بگذارید بهر جهت ایشان هم قبض یکصد تومان از آقای ارباب علی گرفته تا نهار چای را صرف نمودند، شام شد. با کمال منت مزد عمله و مقنی کار نکرده را پرداختیم و سپردیم که برای فردا بیایند کار کند. به منزل معتمد الایاله نبودند باز برای کسب تکلیف آقایان آدینه^{۱۳} هم انجمن خانه میرزا محمد را باز نموده به اسم اینکه رضا خان را مئورین

سند ۲۰۴/۳

میروند جمعیت را جمع‌آوری نموده آقای معتمد الایاله و مئورین را خواسته در آنجا که نمایش عموم را بدهند تا ظهر مئور در آنجا ماند. بعد موقع حرکت آقای معتمد الایاله دو روز مهلت به ایشان داد تا دستور ثانوی از عراق برسد. چهار روز را آقایان به این نحو گذراندند. روز پنج حکم ثانوی حضرت اشرف آقای سردار بختیار^{۱۴} را فرستادید مئورین زیارت نمودند آقای عزیز قلی خان با مقنی و عمله آمد سر چاه‌های وکیل حاجی آقا شریف برد منزل آقای معتمد الایاله تقریباً تا سه به غروب مانده مشغول خالی شدن چاه بودیم. زندهای آقایان با کمال بزرگی در منزل آقای آقا شیخ جعفر^{۱۵} جمع، بعد از آنجا رفته در مسجد جمعه کسی واهمه نکرد. از طول بازار حرکت نموده‌اند برای منزل آقای معتمد الایاله در حجرها^{۱۶} را سنگ زیاد زدند در آنجا بنای داد و فریاد گذاشته آقای معتمد و مئورین برای اینکه زنها ولا^{۱۷} شوند امر فرمودند بار چرخ را از سر چاه برداشته و خودشان در موقع آمدن زن آقای میرزا احمد و زن آقا فرج اله و زن آقا میرزا محمد شریف^{۱۸} رفته بودند سر چاه و سنگ‌های سرچاه را ریخته بودند که باز پر شود. آقای عزیز قلی خان^{۱۹} برای گردش از آن محل گذر می‌کردند. این حرکت را دیده بودند از

^{۱۱} . میرزا زین‌العابدین خان معتمد الایاله «کوچک» نایب حکومت آشتیان و مضافات و پسر میرزا محمد رفیع خان معتمد الایاله بزرگ.

^{۱۲} . برادر میرزا عبدالله تاجر آشتیانی و یکی از مالکان گلشن. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

^{۱۳} . یکی از دشت‌های حاصل‌خیز کشاورزی آشتیان که مالکان این دشت با مالکان دشت گلشن بر سر حفر قناعت درگیر بودند.

^{۱۴} . نایب حکومت عراق و مضافات، خیر الله بختیاری چهارلنگ معروف به هژبر السلطنه یکی از فاتحان طهران در کنار سردار بختیاری است.

^{۱۵} . آیت‌الله حاج میرزا جعفر شهبابی (عسگری) (۱۲۳۹ش - ۱۳۲۰ش) فرزند حاجی حسن از مشاهیر روحانیون قرن سیزدهم هجری و مورد احترام و وثوق همه اهالی آشتیان.

^{۱۶} . دکان‌های بازار آشتیان که اکثر آن متعلق به میرزا عبدالله تاجر بود.

^{۱۷} . پراکنده، پخش.

^{۱۸} . از تجار بنام بازار آشتیان و یکی از مخالفین سرسخت گلشنی‌ها و خاندان شریفی آشتیانی.

^{۱۹} . یکی از مأمورین و گماشته نظامی سردار بختیاری هژبر السلطنه حکومت عراق است.

چند نفر تفتیش نموده که این چاه را کی پر نموده یک نفر خیراندیش بیان واقعه را گفته و حجره میرزا احمد را هم نشان داده بود. عزیز قلی خان از آنجا آمده بودند برای بازار میرزا احمد را گرفته شلاق [ناخوانا] خیلی مفصل زدند و دو نفری از در حجره خودش تا منزل آقای معتمدالایاله کشان کشان و کتک زنان بردند آنجا هم او را با کمال احترام در طوی طویله خیلی کرده برگشتند. به سراغ آقا فرج‌الله^{۲۰} همین قرار که اسم بردند. این فلان فلان شده چه شد [؟] آقا شیخ را دیده تشریف بردند شهرباب که کسی او را پیدا نماید. شب شد آدینه‌ای‌ها رفته منزل معتمدالایاله طوی طویله بسط نشسته که باید میرزا احمد مرخص شود. به خواهش خیلی زیاد مرخصی او را دادند ولی ساعت هفت تا صبح شد.

سند ۲۰۴/۴

کلیه چاکران با آقایان مأمورین آمدیم سرچاه مشغول کار بودیم تا شام ابدأ دیاری دیگر سرچاه نیامد و تا اساعه مشغول خالی شدن چاه‌ها می‌باشیم ولی کار می‌برد، خیلی کار دارد. و کلیه را خراب نموده گمان می‌کنم یک ماهه تمام عمل بشود. پنج نفر مقنی هم الساعه سر چرخ می‌باشد ولی خیال مأمورین این است که همین فردا هفت حلقه چاه‌ها را که پوشیده است آب نشان نموده حرکت به شهر نمایند همین قدر عرض می‌کنم اگر چنانچه مأمورین به این حال حرکت نمایند کار بعد از رفتن آنها ابدأ پیشرفت نمی‌کند مسبوق باشید. مانند آقایان در اینجا خیلی مخارج دارد. ولی الحق و الانصاف کار هم می‌کند و دیگر صدا از دیاری در نمی‌آید بملاحظه اینکه عزیز قلی خان شراب هفت آتسه می‌باشد ماها که شب و روز برای پذیرائی خدمت او هستیم همین قدر یک جزئی خُلق تنگی نماید دیگر طوی اطلاق جرئت نداریم برویم معلوم است این مأمور کار می‌کند شما کاری که می‌کنید حکمی از حضرت اشرف آقای سردار بگیریید که تا زمانی که ما کار داریم این آقایان بمانند هر روز که قدری کار رو براه بشود اطلاع خواهیم داد اگر چنانچه آقای سردار قبول نماید. فقط آقای عزیز قلی خان هم برای ماندن در اینجا کافی است. حالیه مختارید عرض دیگر دیروز گذشته سخت گرفته که باید هشتاد و پنج تومان قبض را بدهید و الا بسر سردار، چرخ سر چاه نمی‌گذارم چون پای اجبار پیش بود نقد پرداختیم و حالیه هم مذاکره یکصد تومان دیگر می‌کند گاهی به شوخی گاهی به جدی شاید خدای ناکرده جدی باشد این است اطلاع به حضرت عالی می‌دهم که تکلیف معلوم فرمائید و استدعای عزیز قلی خان و وکیل حاجی آقا این است که اگر آقای سردار مذاکره وجه نمودند یکصد تومان بفرمایید بیشتر داده نشود. عقیده چاکر آن هم برای این است که همین نحو رفتار نمایند به واسطه اینکه اگر سوای این کار رفتار شود خیلی با خسی می‌نماید و کار هم عقب خواهد افتاد و اساعه هم چرخ پشت برج حاجی میرزا غلامحسین می‌باشد. انشاء اله طیره [رشته] چاه‌ها

دو روز دیگر خالی خواهد شد آن وقت باید مشغول کول نشانند و پاک کردن چاه‌ها شد که آب را رد نماییم حالیه که آب رد نمی‌شود و انشالله روزه سه مشغول کندن گود قرخیاق^{۲۱} [چهل پله] خواهیم شد که صدای مردم بیفتد در خصوص وجه که مأمورین [مأمورین] و آقای معتمدالایاله داده شده بود اقل حضور مبارک عرضیه عرض نمودیم و قاصد هم تعیین شد که ساعت چهار حرکت نماید آقای اربابعلی از این مطالب مسبوق شدند فرمودند ابدأ اطلاع دادن لازم نیست آن پولیکه باید داده شود در عراق به حضرت اشرف آقای سردار داده شده حالیه اینها فرعاً چون یک انداز چاک آنهم دیدیم دادن این وجه لازم است و پیشرفت کار خیلی بهتر است که این وجه را ندهی ابدأ کار پیشرفت نخواهد نمود عریضه را از قاصد گرفته و پاره نمودیم. بواسطه اینکه مأمورین در محل کار می‌کنند و نتیجه مشخص می‌بود اگر می‌خواستند خرابی درست کنند خیلی راحت بود به خصوص چاه خانه میرزا جواد از قرار مذاکره مأمورین خیال دارند چاه در خانه مشهدی احمد خالی نکنیم غرخ خیاب [چهل چاه] در آوردن ابدأ فایده ندارد و رشته کار هم در دست نمی‌آید به ملاحظه این که این دو حلقه چاه را سوراخ نمودید به رودخانه کله آب از آنجا در می‌آید هر چه ما هم می‌گوییم این دو حلقه هم پر شده است مأمورین قبول نمی‌کنند فوری برای این دو حلقه چاه حکم مجدد بگیریید که صدای مردم از برای آب بیفتد عرض دیگر جناب واسل غلام علی حاضرند سلام می‌رسانند و عرض می‌کنند امان از بی‌پولی خدا شاهد است کلیه پول چاکر دو تومان می‌باشد تکلیف از برای وجه معلوم نمائید که کار نخواهد در قبض قبلی عباس آقا رمضعلی که بشما دادند ژاندارم آمده است مطالبه می‌کند که قبض کل بدهید از آنجائیکه قبض ایشان خدمت شما می‌باشد التزام پنج روزه داده شد که قبض را از عراق بخواهیم فوری بفرستید که خیلی لازم است و قبض در حجره هم نمی‌باشد در خدمات حاضریم با کمال افتخار [امضاء] زین‌العابدین و آقای غلامعلی فدائی گلشن.

سند ۱۹۱/۲

^{۲۰} قصاب آشتیانی و از طرفداران مالکان آدینه. فرج‌الله عبدلی آشتیانی.

^{۲۱} قرخیاق: راه روی شبیه و رودی آب انبار به وسیله پله به یکی از چاه‌های قنات گلشن در وسط قصبه آشتیان. متصل و اهالی از آن آب برای مصارف خانگی و شستشو استفاده می‌کردند.

[نامه آقا زین‌العابدین عطائی از آشتیان به عراق چاله میدان منزل قمر خانم خدمت آقا میرزا عبدالله خان تاجر آشتیانی در موضوع قنات گلشن آشتیان]
بتاریخ ۱۴ شوال‌المکرم ۱۳۹۹ [۱۳ق]

فدایت شوم - رقم مبارک محترم الساعه بتوسط کربلائی قربان آهوئی زیارت شد از سلامتی وجود محترم کمال شرف روی داد از حال اینجانبان خواسته باشید ملاحظه نحسابی و آتربیک بازی این مردم بکلی سلب آسایش را نموده‌اند و هیچ نمی‌گذارند آبی راحت باشم در موضوع ادعای آقا فرجاله در موقعیکه در محضر شرع نتوانستند اینجانبان را محکوم نمایند و دست آنها از همه طرف بریده شده حالیه آقا فرجاله ادعای خود را به میرزا اسمعیل خان صلح نموده و به ده شاهی و ایشان طرف محکمه می‌باشد یعنی اول هم در باطن آتربیک می‌نمودند، حلیه ظاهر باطل شهره می‌کند، نمی‌دانم.

تکلیف ماها با این پیش آمد چیست و تقریباً تا بحال معادل چهل تومان ضرر واقعی وارد آوردند یعنی هر چه از کار و زندگی هم افتادیم هیچ جزو حساب نباشد العاقل فی‌الاشاره لابد خودتان هم مسبوق می‌شوید که این ضرر نفعش به کی رسیده است. همین قدر بشما عرض می‌کنم و دفتر و حساب این گوسفند کلیه موجود است. گوسفند را حاجی ابراهیم فروخته و هیچگونه حرفی بما ندارند. ولی آنکسی که حرف حسابی را باید اجرا نماید در این ولایت امروزه پیدا نمی‌شود مگر انشالله ورود حضرت سردار و معزول شدن آقای باصرالملک دادرسی پیدا شود و الا کار خیلی مشکل است بواسطه اینکه هر جور استشهاد بخواهند درست نمایند ممکن است و ابدأ برای الان مان یک مهر بکار نمی‌زنند و کار هم از مسلمانی و غیر مسلمانی گذشته فقط [فقط] این آقایان بگردن کلفتی و قدری کار می‌کنند خدمت و اصل رمضان بک سلام می‌رسانم خدمت آقای آقا میرزا ابولفضل و استاد حسن و عباس آقا سلام می‌رسانم استدعا می‌کنم تکلیفی اگر ممکن است سوای این کار معلوم و مرقوم بفرمائید که طی گفتگو بشود. جناب آقا مشهدی حبیب حاضرند احوال پرسى هستند در خدمات و فرمایشات با کمال افتخار حاضرم رجوع فرمائید.

[امضاء] زین‌العابدین عطائی

سند شماره ۴ (۱۳/۲ و ۱۳/۳)

[نامه حسن رنگرز آشتیانی (انوری) از آشتیان به طهران خدمت اشرف جناب آقای میرزا حسن مستوفی‌الممالک آشتیانی، [معروف به آقا] رمضان ۱۳۴۵ هـ. ق]

قربان استان مبارک کردم - بعد از تقدیم مراتب احترامات عالییه مع‌الاحضار خاطر مقدس عالی را نسبت به محیط آشتیان و افکار عمومی متوجه می‌دارد - فدوی که یک نفر از رعایای آشتیان و شغلم رنگرزی است به حرف‌های آنچه در عمر خود شنیده و از جد و پدرم شنیده‌ام حق‌شناسی و پاس حقوق اجازه‌ام می‌نماید که شرح واقعه آشتیان را نسبت با اختلافات راجع به قنات گلشن را به عرض مقدس عالی برسانم قطع نظر از اینکه اهالی آشتیان با سابقه لالی [درخشان] و نگهداری و توجهات کافه حضرت اشرف روحی فدا اساساً نباید در معامله که بتصویب و امضای چاکران آن استان مبارک گذشته ولو فروش اهل و اولاد هم جداً اظهاراتی داشته باشم تا چه رسد با اینکه بدبختانه و حق‌شناسانه ایراد نمائیم آنها در غیر موقع و نامشروع در دو سال قبل مالکین آدینه اراده کردند که چاهای چشمه ملاعیتی را امتداد بدهند و در باغچه حال دارای^{۲۲} متصل به قنات گلشن نمایند و آب قنات مزبور را از مجری جدیدالاحداث خود با آدینه ببرند در اداره و عملیات دچار چند مشکل شدند اول اینکه رسیدند به خانه مشهدی اسداله نام و به قهر و عنف چاه آنجا را پاک کند زیر خانه خالی شد و گذشتن از آن ممکن نشد و صاحب خانه به آنان اجازه عبور نداد چنانچه خانه مشهدی اسداله از اثر همین عمل خراب شد. یکی هم چائی را که حدود دشت گلشن حفر کرده بودند مردم ملتفت شده آمدند و مانع شدند محتاج هر چه می‌شد مقنی آوردند تصدیق کرد که این حفر جدید است و نگذاشته تمام عمل شود در عین حال میرزا حسین‌خان مشغول مشقیه گردید و این عمل بکلی خیالات آنها بهم زد رفته رفته با عنوان چند نفر از مالکین آدینه زمزمه میان سایر مالکین افتاد و آنها را با سه بدی تهدید کردند رفته رفته بنای انجمن شور و نوشتن عرایض و تلگرافات را گذاشته در حالی که فقط میرزا حسین‌خان در مجری قدیم مشغول تنقیه است حفر جدیدی نداشته اسم این حرکات را گذاشته شرب عمومی در صورتیکه مرحوم میرزا محمد رضا (قرخ یا ق)^{۲۳} ساخته بودند. میرزا حسین‌خان نیز الان قرخ یاق

^{۲۲}. یکی از محلات قدیم آشتیان، امروز میدان فلسطین نام دارد.

^{۲۳}. اصل کلمه ترکی است، در اصطلاح محلی: مکانی شبیه به آب انبار که از طریق پله سنگی به یکی از چاه‌های قنات گلشن می‌رسد و مردم آب شرب را با کوزه برای مصرف برداشت می‌کردند. این محل که مقابل مسجد جمعه آشتیان قرار داشت تا سال ۱۳۵۳ش پابرجا بود و سپس تخریب شد. هم اکنون در دو خانه قدیمی آشتیان قرخیاق خانگی وجود دارد که در آستانه نابودی است. این دو خانه عبارتند از: خانه آقا سید حسین میری و خانه آقا حسین مجبی

را که خراب شده بود مجدداً تعمیر کرد و از حیث شرب ابدأ لطمه به اهالی آشتیان وارد نمی‌شود. حالا که این سردسته‌ها در نتیجه بعضی مخارج و تعارفات بعضی اشخاص را ظاهراً با خود همراه بنای نزاع را گذاشته بکلی چشم از خدا و خلق دوخته مانع از مقنیه قنات رسانده مجدداً مانع از زندگی راحتی و آسایش مردمان بی طرف گردیدند هر روز بعنوانی تولید غذایی می‌نمایند در واقع و نفس‌الامر، فعال مایرید شده‌اند فدوی که پوست و استخوان خود را پرورده نعمت حضرت اشرف می‌دانم هیچ وقت مایل نبودم که قلب منور عالی نسبت به اهالی آشتیان خدای نخواستہ ملول گردیده سلب توجه فرمائید بدون بستگی باحدی انظرین یا اشکال بجائی شرح قضیه را به عرض مقدس رسانیدم و عاجزانه استدعا می‌کنم مقرر فرمائید به هر نحو که ممکن است موجبات آسایش اهالی بی‌طرف را فراهم نمایند. دیگر قصدی ندارم. و خدا می‌داند بواسطه اینکه در ۸ سال قبل راجع به اجاره همین قنات گلشن مدعی حاج آقا ابراهیم شدم و از مقام مقدس استدعای تعویض اجاره گلشن بخود نمودم ابدأ با حاج آقا ابراهیم رابطه ی ضابطه نداشته‌ام فقط دلم به حال خودم و مردم بیچاره رعیت می‌سوزد و نمی‌خواهم بیچارگان جزو مصالحه و فدای منفعت‌پرستی آدینه بشویم.

سند شماره ۵ (سند ۲۵۰)

نامه میرزا حسین خان جمالی آشتیانی از طهران به آشتیان خدمت میرزا عبدالله خان عطائی درباره اختلاف در مخارج حفر چاه قنات گلشن آشتیان [شهر صفر ۱۳۴۴]

قربانت شوم دست‌خط مورخه عزه محرم زیارت گردید از مضمون آن اطلاع حاصل گردید پنج سال تمام است با جنابعالی دم زده ابدأ در صدد تقلب و شیطنت با رفقا نبودم میل دارم که رفقای خودم هر روزه ترقی کرده مراتب عالیه را داشته باشند. هیچ وقت هم کلاه سازی نخواستم بنمایم که قوه رفیقم از بین برود. علاقه آشتیان را با رفقا می‌خواهم اینکه صورت فرستادم خدمتشان حقیقتاً شترسواری دولا.....دولا هم ندارد برادر جان قلم بدست بگیرید هر کجا بنده تقلب کردم بنویسید یا وکیل دارم شما را متقاعد می‌کنم یا صرف‌نظر، هیچ ملاحظه کردید روز محاسبه بنده و اربابعلی شما اشکال من راجع بصورت حساب ارباب بود حال هم عرض بنده این است و اله قسم است اگر می‌خواستم حساب سازی کنم خیلی مخارجات گردیده که ابدأ اسمش در آن صورت نبرده شده میل دارم آقای رمضان بیک را بیاورند در منزل آن قسمتی را که ایشان بوده قسم بدهد و تحقیق نمایند آقای آقا میرزا عبدالله خان تصور می‌فرماید شیخ عبدالحمید ششست و بیست تومان از بنده گرفته خیر هزار و پانصد هم متجاوز گرفته و همچنین پول‌های دیگر باری خود شما هم از طرف بنده وکالت دارید هر نوع صلاح بدانید صورت را تسویه نموده جواب بدهید که لااقل تکلیف قطعی خودمان معلوم شود آمدن نیامدن فرقی ندارد هر چه صورت نمائید شما قسمت خودتان را درست نمائید. قسمت اربابعلی و آقای رمضان بیک با خود بنده است ارباب حاضر شد مخلص او هستم. نشد یک راه دیگری با هم می‌رویم تمنی دارم خجالت نکشید هر مطلبی راجع به صورت دارید بنویسید الان که حساب مهمی نیست بنده و جنابعالی بایستی تاکنون برای پیشرفت کار متجاوز از بیست هزار تومان این جور متضرر شویم فعلاً که خبری نیست مخارجات عمده بنده قسمت مهمش در خود آشتیان بوده و آقایان بوده‌اند یک قسمت جزئی آن در طهران شده جان عباس آقا رودرواسی را کنار گذارده شأن مطلب را بنویسید که مطلع باشم خدا شاهد است رنجش هم پیدا نخواهم نمود حرف را بایستی زد تا حل شود از قسمت حساب بگذرد یا نگذرد بنده و جنابعالی مجبوراً بایستی با یکدیگر باشیم نمی‌توانیم از یکدیگر صرف نظر نمائیم.. [ناخوانا] هم زیاد است. ابدأ صورتی را که فرستاده‌ام باحدی نشان ندهید اسباب زحمت می‌شود صورت خسارات غیر صورت خصوصی است. [امضاء] جمالی

سند شماره ۶ و ۷ و ۸ شماره ۲۶ و ۲۷ و ۲۸

صورت مقنی گری حفرقنات گلشن آشتیان عدد به حساب سیاق، به خط میرزا عبدالله خان عطائی آشتیانی به تاریخ ۱۳۴۳ هجری [۱۳۰۳ خ]

سند شماره ۹ (سند شماره ۲۵)

صورت مخارجات حفر تخلیه چاه‌های قنات گلشن از جمادی‌الاولی ۱۳۳۹ الی شعبان ۱۳۴۴ [۱۳] تحریر شده توسط آقا میرزا حسین خان جمالی آشتیانی

مخارج عراق، مخارج مأمورین، معتمدالایاله، پیشکار توسط میرزا غلامحسین، حواله اصغر آقا، قالیچه عزیزقلی، مخارج راهجرد.

توسط میرزا حسین خان در طهران

میرزا عبدالعقار، معاون [دفتر] علی رضا، دستگاه صمصام السلطنه، پیشخدمت مستوفی الممالک دایره وزارت داخله، فوق العاده مأمورین، متفرقه، مخارج مأمورین، توسط حسن در آشتیان و عراق

توسط میرزا حسین خان در طهران، در قم، در عراق، در آشتیان

توسط آقا رمضان بیک و آقامیرزا احمد عبدالله خان، در آشتیان مخارج شده است دو فقره اولیه در آشتیان رسیدگی شده بر سی الحساب سیصد و چهل و چهار تومان گردید با آنکه در مخارجات آنجا هر دوزی شده بود در حقیقت خیانت در امانت بوده. اما در مخارجات فوق پس از تقسیم و تسمیم طلب بنده قوب ششصد تومان است از آقایان اربابعلی و آقا میرزا عبدالله خان پس از جمع مبلغ ششصد و چهل و چهار تومان مستدعی است تکلیف برای تأدیه وجه مزبور داده فراهم. [به خط: میرزا حسین خان جمالی آشتیانی]

سند شماره ۱۰۵ (سند ۸/۲)

[ورقه اجرائیه حکم استینافی راجع به شکایت میرزا حسین خان جمالی درباره قنات گلشن]

وزارت جلیله داخله

اداره حکومتی آشتیان

بتاریخ ۲۳ بهمن ماه ۱۳۱۰

نمره ۵۶۸

جناب آقای میرزا عبدالله خان عطائی

مرسله شریفه راجع به ورقه اجرائیه نمره ۷۰۱ حکم استینافی و اصل گردید قبل از وصول جنابعالی جای ورقه بعمل آمده بود.

[امضاء و مهر] کیهانی، نایب حکومت و مأمور صلح آشتیان

سند شماره ۱۱ (سند ۱۴/۲)

نامه میرزا حسین خان جمالی آشتیانی از طهران به آشتیان به میرزا عبدالله خان عطائی (تاجر آشتیانی) جهت تخلیه چاه قنات گلشن آشتیان ۱۳۰۰ خورشیدی

قربانتان گردم تلگراف شما زیارت شد معلوم است با کمال جدیت در صدد جلوگیری می باشم چگونه با آن شرایط حضرت سردار مشغول عملیات شده اند لازم است شرحی فوراً به این عنوان از شخص مشارالیه گرفته به توسط بنده جهت حضرت اشرف آقای مستوفی الممالک فرستاده شود - حضرت اشرف آقای مستوفی الممالک بر حسب تظلم میرزا حسین خان راجع به قنات گلشن چند نفر مصدق فرستاده در محل چون حقانیت مشارالیه محرز گردیده و مشارالیه بحق بوده دستور دادیم به مأمورین که احقاق حق او را بعمل آوردند محض استحضار خاطر محترم راپورتاً عرض شد -

این ورقه را فوراً گرفته بفرستید لازم است دفتر تاکید نمایند بدون معطلی و مسامحه بهر نحوی که هست زودتر این شصت حلقه چاه خالی شود چون حضرات با یک عده مشغول کار کردن می باشند و خودشان کار می کند خدای نکرده اسباب زحمتی فراهم نشود خیلی تعجیل نمائید پس از خالی کردن آن براحتی مشغول کار شوند لازم است این شصت حلقه را در ظرف ۳ روز تخلیه نمائید مسامحه نمائید آقایان شبانه روز دوندگی می نمایند بنده هم می روم عقب سر آنها امید است عملیات آنها بجائی نرسد از دیروز گذشته تا بحال که کاغذ به رئیس الوزراء در شمیران داده دیگر بوزارت داخله رفته ام و در همه جا آقایان بوده اند فقط مقصود بنده این است چاهای پر شده خالی گردد و چند نفر اشخاص هم دستگیر شوند خیلی به عجله کار فرمائید مسامحه نشود زیاد سلامتی شما را طالبم. [امضاء] جمالی

سند شماره ۱۲ (سند ۲۳۷)

[جواب میرزا عبدالله خان عطائی به مالکین دشت آدینه آشتیان]

آقایان مالک دشت

آیا بنده این آب شما را فروخته ام آیا برای خودم برده ام در اثر تشکیل مجلس خصوصی برای رفاهیت اهالی قصبه از ظهر تا دو از شب رفته آب را برای اهالی قرار دادن یک الساعه بیائید نگاه کنید اگر برای حوض خود برده ام حق با شماهاست حالیه مشهدی اصغر حمامی را محرک می شوید حمام را به بندند تمام این

قضیا می‌دانم از ناحیه کدام یک از آقایان است بموجب این جوابی را که بشما می‌نویسم از الساعه آب را به بندید بمن هم ابداً ربط ندارد کار بکار آب هم ندارم تا چه لی [چله] بهاری

سند شماره ۱۳ (سند ۱۸۲/۳)

[درخواست میرزا اسماعیل خان نورائی^۱ از میرزا علی اصغر ماجدی گرکانی وکیل عدلیه برای حل و فصل اختلاف مالی بر سر حفر قنات گلشن مابین میرزا حسین خان جمالی و میرزا عبدالله عطائی]
مورخه لیل ۴ شهریور ۱۳۱۱ [۱]

قربان وجود محترمت گردهم - پس از تقدیم عرض ارادات و ادعیه خالصانه تشکرات خودم را از حسن نیت و فطرت حسنه حضرت مستطاب اجل عالی دام اقباله‌العالی تقدیم و خاطر مبارک را مستحضر می‌دارم مرخصی جناب مستطاب اجل آقای جمالی دام‌اقباله دو روز دیگر منقضی و روز شنبه را قهراً باید حرکت کنند پس از مرخصی از حضور محترم و مراجعت به آشتیان تا امروز انتظار داشتم که حکمیت و رای خودتان را راجع به اصلاح مابین آقای جمالی و آقای عطائی مرقوم فرمائید چون آقای عطائی صبح را خیال شرفیابی را دارند این است که از حضرتعالی تمنا و تقاضا دارم که ترتیب اصلاح را داده و مرقوم فرمائید که این ارادتمند از خاتمه و رفع غائله راحت و آسوده باشم مستدعیم خاتمه این امر را ترجیح بسایر امورات و رفتن محسن‌آباد بدانید حقیقتاً اظهار لطفی است نسبت به بنده فرمودید

[امضاء] ارادتمند صمیمی اسمعیل نورائی

پاورقی

۱. میرزا اسماعیل خان مستوفی آشتیانی فرزند میرزا علی‌اکبر از مشاهیر، مدتی نایب‌الحکومه آشتیان و مضافات بود. در کمال سلوک و ادب با اهالی رفتار می‌کرد. میرزا عبدالله نورائی شهردار افتخار آشتیان در سال ۱۳۱۹ ش و رئیس ثبت احوال آشتیان فرزند اوست.

۳. سند ۲۳

[قبض وصول مالیات مزرعه گلشن]

نمره ۸۱۳۷۳۴ تاریخ ۱۴/۵/۳ [۱۳]

[آرم شیر و خورشید]

وزارت مالیه، مالیه عراق، قصبه آشتیان

قبض وصول مالیات صدی سه محصولات ارضی و حیوانی عوارض بلدی [قپانداری]

شعبه نمره ۱

مبلغ یکتومان و پانزده دینار [عدد بسباق] بابت صدی سه ۳ بار، ۲۵ من جو از مزرعه گلشن بابت عوارض بلدی بارهای مندرجه در ورقه ورودی نمره ۷۱۴۷۳۵ دروازه قم حمل شده بتوسط میرزا اصغر آقای عطائی عاید گردید. محل امضاء علی مجدابن علی اکبر تفرشی [مدیر مالیه آشتیان]

سند ۳۱۸ [نامه میرزا زین‌العابدین معتمدالایاله نایب حکومت آشتیان به میرزا حسین خان جمالی ۱۳۹۹ هجری]

دستخط مطاع مبارک که سرافرازی فدوی شرف صدور یافته شود فرمایش شرف حاصل نموده از مراجع مبذوله ذات مقدس محترم دامت برکاته تعالی همه وقت مداح و شکرگزار بوده و می‌باشد و تشکرات صمیمانه خود را تصدیع استان مبارک می‌نماید از کارکنان معزالیه ممانعت کردند به فوریت در این امر تحقیقات خارج و داخل به عمل آورده با میرزا عبدالله تاجر را احضار به کلی در مانع شدن منکر استحضار خاطر محترم کارگذاری حضرت آقائی روحی فدا تقدیم داشت.

می‌داند و در اوامر مرجوعه با کمال افتخار حاضر و خودداری ندارد اقدامات است در املاک حضرت آقائی و آقای حاج آقا ابراهیم خواهد نمود و از مراقبت و مواظبت کوتاهی نخواهد شد. امر امر مبارک فدوی [امضاء] زین‌العابدین آشتیانی

سند ۳۴۸

[رسید پول بابت مقنی‌گری قنات گلشن]

مبلغ هیجده تومان [عدد سیاق] و سیزده شاهی از بابت مقنی‌گری قنات گلشن از تاریخ ۱۱ ذی‌حجه ۱۳۴۸ [۱۳] الی ۲۰ رجب‌الخیر ۴۹ [۱۴] توسط آقای آقامیرزا عبدالله‌خان عطائی^{۲۴} از بابت یک‌دانگ و بیست و هشت حبه باینجانب محمد حضرتی^{۲۵} عاید گردید صحیح و رقمی است به تاریخ ۲۰ رجب‌الخیر ۱۳۴۹ [امضاء] اقل الاحقر محمد حضرتی

سند ۳۰۰

[گزارش نایب‌الحکومه آشتیان معتمدالایاله به تهران خدمت میرزا حسن‌خان مستوفی‌الممالک آشتیانی (جناب آقا) ۱۳۹۹ هجری]]

راپورت [گزارش]

در این چند روز به قدری دچار زحمت گردیده و یک هنگامه و شورش و هیجان عمومی در آشتیان بوده است که چه عرض کنم اگر بخواهم مفصلاً معروض دارم اسباب تصدیح خاطر مبارک خواهد شد- با طرز ملاپمی و نوع کدخدانمنشی و مسالمت و نصیحت مرد مرا ساکت بعد به سمت عراق [سلطان‌آباد] امروز حرکت می‌نمایم- مختصراً این است که چند شب قبل درب خانه حضرت آقای آقا شیخ جعفر مجتهد^{۲۶} دامت برکاته را کثافت مالیده بودند حضرت آقا هم همانروز عصر از تکیه و مجلس روضه مرد مرا به منزل خود برده باعث اجتماع و هیجان اهالی گردیده عموماً عرض حال را به بنده فرستادند که در این مورد تقاضای احقاق از حق می‌نمایم دو روز هم بازار و دکاکین را تعطیل نمودند روز دیگر از مجلس روضه باز به حال هیجان عمومی به دائره نیابت آورید و مجازات فرمائید آقا شیخ جعفر مرتکب این عمل را حسن^{۲۷} پسر حاج اسمعیل می‌دانند در ضمن استاد محمدجعفر^{۲۸} آهنگر هم مزخرفاتی گفته بود به هر جهت روز دویم مرد مرا قول دادم که مرتکبین را حاضر کرده مجازات می‌کنم گرفته در جواب به سؤال بنده از حسن اظهار نموده من ابدأً از این کار اطلاع ندارم و مرتکب نبودم در محاکمات حاضر، قسم هم در شاه حمزه می‌خورم مرتکب بدست آید فیها والا یا قسم یا در محکم استنطاق حاضر شود او اداره ضط گردید فدوی [امضاء] زین العابدین^{۲۹} آشتیانی

سند شماره ۲۴۴

[نامه میرزا حسین‌خان جمالی آشتیانی کارمند وزارت جلیله عدلیه از تهران به آشتیان خدمت میرزا اسماعیل‌خان مستوفی آشتیانی ۱۳۰۹ خورشیدی]

خورشیدی]

قربانت گردم- دستخط مبارک مفصل مرحمتی رسید خیلی ممنون و متشکر چون مدتی است که محمدخان^{۳۰} مبتلا به کسالت است در نظر دارم بعد از دادن امتحان بفرستم خدمت شما امید دارم مراجع خودتان را درباره ایشان کاملاً مبذول فرمائید اما در خصوص گلشن شرحی کتباً حسن تلفون کرده بود جواب دادم

^{۲۴}. میرزا عبدالله‌خان تاجر آشتیانی.

^{۲۵}. فرزند حاج رمضان‌بیک حضرتی یکی از مالکین دشت گلشن.

^{۲۶}. شهرآبی.

^{۲۷}. معروف به رنگرز - حسن انواری.

^{۲۸}. حضرتی آشتیانی.

^{۲۹}. معروف به معتمدالایاله کوچک و پسر محمد رفیع‌خان معتمدالایاله بزرگ نایب حکومت آشتیان و مضافات.

^{۳۰}. محمدخان جمالی آشتیانی مدیر روزنامه خدنگ و پسر میرزا حسین‌خان جمالی.

بایستی به آقایان آقامیرزا عبدالله خان و آقای رمضان بیک مراجعه نمائی چنانچه رضایت دادند مداخله نمائی والا من حاضر نیستم اسباب زحمت و تولید خصومت فراهم نمایم اینک با کمال مهارت بایستی عملیات ایشان را از بین ببرید آقای رمضان بیک را بفرمائید نباید دلتنگ باشند فعلاً تهدید نمائید نادان سنگی به چاه انداخته باکمال عاقلی رفع باید نمود نمی‌خواهید حسن^{۳۱} را تهدید نمائید خودش واگذار می‌نماید در هر حال من هم اطمینان به محمد حسن والا قطع داشته باشید در هر سه ماهی چند روز کار برای سرکشی، از ماها فراهم نشود زیاده عرض ندارم [امضاء] جمالی

سند ۲۸۶

[نامه میرزا حسین خان جمالی از تهران به آشتیان خدمت آقامیرزا عبدالله خان تاجر آشتیانی ۱۳۰۰ خورشیدی]

فدایت کردم مراسله شما زیارت شد رفتن مأمورین را اطلاع داده بودید اشکالی ندارد ولکن حدیث نمائید که مقضی کار کند وسائل لنگ کردن مقنی را فراهم نیاورند بهیچوجه ترسی و بیم نداشته باشید زمینه محکم است حرکت خودتان را به طهران نوشته بودید ابدأ صلاح نیست رمضان بیک هم همین چند روزه بگذرد حرکت می‌نماید راجع به آقای میرزا ابوالفضل مرقوم داشته بودید همان شخصی است که پارسال گذشته رفتیم به اتفاق شما و رمضان بیک سرآب همگی توی ایوان چائی خوردیم تمام حیاط او پر از مرکبات بود در خصوص قنات فی الجمله مذاکرات نمودیم بعد از طرف بنده بردن است فعلاً آقاشیخ جعفر و صالحی^{۳۲} در طهران می‌باشند مشغول مذاکرات اصلاحی هستیم تا دید نتیجه چه شود ما شما با کمال قدرت مشغول انجام کار مقنی‌گری باشید زحمات چندین ساله از بین می‌رود ابدأ صلاح در حرکت نیست حرکت نکنید نکنید [امضاء] جمالی

سند ۳۰۲

[نامه میرزا حسین خان جمالی از تهران به آشتیان خدمت آقامیرزا عبدالله خان تاجر بابت تخلیه چاه گلشن ۱۴۰۳ هجری]

فدایت شوم شرح حالات به قراری است که در هفته گذشته عرض و ارسال شده است دیروز گذشته آجودان فرمودند که تا باغچه خالداری^{۳۳} کار را تمام خودم حرکت سه نفر مأمور گذاریم برای بقیه چاهها فعلاً کار شما این است که به هر ترتیبی که هست چاهای پر شده را پاک عمل نمائید تا قرخ ایاق مأمورین را نگهدارید شما بعد از عید حرکت نمائید فعلاً به هر قوه که است تا قرخ ایاق^{۳۴} برسائید هر وقتی که از باغچه خالداری توی کوچه رفتید بنده را مطلع سازید بنده با حضرات مشغول حقه‌بازی و جلوگیری از کارهای آنها می‌باشم تا خدا چه خواهد شما ابدأ ترس و واهمه نداشته باشید به واسطه کثرت مشغله و آقاشیخ محمد^{۳۵} سلام برسائید عرض کنید که کاغذ شما رسید لکن امیدوار است که کاغذ مفصلی عرضه بدارم به سایرین هم سلام برسائید [امضاء] جمالی

سند ۲۸۲

[نامه میرزا حسین خان جمالی از تهران به آشتیان خدمت میرزا عبدالله تاجر موضوع پرکردن چاههای دشت آدینه و رساندن پول به مأمورین ۱۳۰۳ خورشیدی]

فدایت کردم - دستخط مبارک زیارت گردید به طوریکه در هفته گذشته راپورت دادم آقای آقا میرزا سیدفتح‌الله خان بمعیت دو سه نفر دیگر در یوم ۱۴ محرم وارد آشتیان می‌شوند دو روز تأخیر افتاد بایستی ۱۶ محرم یا روز ۱۶ وارد آشتیان می‌شوند به طوریکه در عریضه قبل سابقه دادم حالا یقین هست می‌شود کار کرد این حرف را هم کنار گذاشته شود. نوشته به آقا میرزا احمد که هشتاد و پنج تومان فوراً پول خانه را به آقای رمضان بیک بدهید که مخارج بنائی را مرتباً آقای

^{۳۱}. محمدحسن چنگیزی آشتیانی یکی از رعایای میرزا حسین جمالی.

^{۳۲}. آقاشیخ عباس صالحی آشتیانی مدیر مدرسه خاقانی آشتیان و نماینده اوقاف.

^{۳۳}. یکی از محلات قدیمی آشتیان که چاههای قنات گلشن از آن می‌گذرد.

^{۳۴}. چهل پله.

^{۳۵}. آقاشیخ محمد واعظ آشتیانی از روحانیون سخن ور آشتیان که مدت ۳۰ سال با معتمد الایاله حکومت آشتیان مبارزه کرد میرزا غلامرضا همایونی یکی از معلمین مدرسه خاقانی آشتیان فرزند اوست.

رمضان بیک تقبل نموده باشد ممتنی است که به آقای آقامیرزا سیدفتح‌الله خان سابقه بدهید که پس از پاک شدن مجری و جاری شدن آب از جلوی دهنه شروع به سنگ‌چینی شود آن هم که پر شد و چند چاهی که آدینه رفته بایستی تا آدینه چشمه پر شود. ملاحظه را کنار گذارده چاهای آنها را پر نمائید آقای آقامیرزا عبدالله خان به کلی ترشی را کنار گذارده بایستی قنات پاک شود ها نمی‌دانم چه سفارشی کنم چون با بودن مأمورین^{۳۶} به عهده خودتان گردد یکدست مقنی جهت شب است دست دیگر برای روز آتیه از دایره احکامات مستحضر خواهید نمود زیاده جسارت است. محمدحسن حاجی اسمعیل را هیچ ملاحظه ننمائید.

سند ۸۸/۲

[نامه میرزا حسین خان جمالی رئیس محترم دفتر ابتدائی مرکز (عدلیه) از طهران به آشتیان خدمت آقامیرزا عبدالله عطائی ۲۳ رجب ۱۳۴۳]]

فدایت شوم مراسلات شما همه هفته می‌رسد لکن برای نوشتن جواب بنده به واسطه جلوگیری حضرات در قم به تأخیر می‌افتد کاملاً مشغول زد و خورد هستیم فعلاً می‌توانیم عملیات سابقه بدهم چیزی که باعث شد چند سطر را به شما بنویسم این است که شما به هر مدعی شده عمل قنات را تا قرخ ایاق برسانید و راپورت کار آنجا را بدهید نمی‌دانم چه سفارشی کنم اگر جدیت شود قطعاً اسباب زحمت برای همگی فراهم می‌شود اگر شب هم هست کار کنید آنی غفلت ننمائید شری همواره تصدیق دارم لکن مجبوراً بایستی اینکا را کرد جناب آقای شیخ محمد و آقامیرزا احمد عریضه عرضه نمودم گرفتاری زیاد است وقت هم زیاد است آقای اربابعلی و آقای رمضان بیک حضور دارند احوال پرسند که شما را اسلام می‌رساند [امضاء] جمالی - بواسطه شری آقامیرزا علیرضا حال جنون پیدا کرده است [امضاء] جمالی

سند ۲ و ۳۴۷/۱

[نامه میرزا حسین خان جمالی از طهران به آشتیان خدمت آقامیرزا عبدالله خان عطائی]

فدایت شوم - مراسلات شما و آقامیرزا احمد را ملاحظه نمودم و از مندرجات آن اطلاعی حاصل شد البته تصدیق ندارید که مسئله قنات گلشن خیلی مهم و حضرات هم دست فوتوشان به جیب می‌رود در مقابل حضرات بایستی پول نشان داد اینک می‌بینم برای مخارج قنات که در عوض ماه شصت تومان مخارج دارد برات می‌فرستید نمی‌دانم بچه‌شان عرض کنم تاکنون دو سه سال است متجاوز از دو هزار و پانصد تومان مخارج شده سهم شما هم حساب بودها باز بدکار هستید فعلاً من نظر ندارم این مطالب نوشته شود لکن پول موجود ندارم ممتنی است بقیه گندم را که در خدمتتان است به فروش برساننده قرخ ایاق را باز نموده بدهی شودها بهمه دوستان سلام برسانید صبر کنید انشاءالله بعد از ماه رمضان خودم آمده چند موضع قنات را قرخ ایاق ساخته برای آسایش عمومی تحویل می‌دهم فکر آنی نداشته باشید به حساب آقامیرزا احمد بگوئید اینکه کاغذ علی هذّه عرض می‌کنم مصلحت چنین است البته ستایش اهمیت ندارد کاملاً از خجالت شما بیرون می‌آیم قدری فرصت بدهید کار اینجا راست شود به آنجا بپردازم البته آقامیرزا فرج‌الله را از قول بنده سلام برسانید و عرض کنید مراحم و جناب آقای آقا میرزا اسماعیل خان و آقامیرزا علی‌خان فراموش‌شدنی نیست اگر قبض بنده را سه بدانید می‌دهم آنچه را که باید بدهم اگر ندارید کربلائی یعقوب برای رأس خدمن پنجاه من گندم حواله بدهم تا نگرانی نداشته باشید از عملیات خودتان راپورت بدهید روز بروز لازم نیست مسائل طهران را بدانید کاری که می‌کنید خیلی به عجله شبانه‌روزی کار بکنید که از این قسمت آسوده شویم.

زیاده مطلبی نمی‌باشد آقای ارباب و رمضان بیک حاضر سلام می‌رسانند [امضاء] جمالی

سند ۳۶۵

[نامه میرزا عبدالله عطائی به وکیل میرزا حسین خان صادقی]

حضور محترم جناب مستطاب آقای میرزا حسین خان صادقی دامه اقباله در موضوع دعوی این جانب میرزا عبدالله عطائی [و] میرزا حسین خان جمالی مبلغ سه هزار تومان وجه الزم فعلاً توقیف نمائید و محکمه نمائید ثانیاً کتبی دستور داده شود.

عبدالله عطائی

سند ۱۸۲/۷

[صلح‌نامه میرزا حسین خان جمالی و میرزا عبدالله خان عطائی ۶ بهمن ۱۳۱۱]]

قبول می‌نماید - در موضوع دو فقره دعوی مطروحه بین اینجانبان آقامیرزا حسین خان جمالی و علیخان جمالی و آقامیرزا عبدالله خان یکی مربوط به ۲۵ رأس گوسفند مطروحه در شعبه ثانیه استیناف و دیگری مربوط به حساب ممانعت از تنقیه قنات گلشن مطروحه در شعبه ثانیه استیناف طرفین امضاءکنندگان ذیل اختیار تام و وکالت اصلاحی مطلعین و حکمیت داریم به حضرت آقای حاج میرزا ابراهیم آشتیانی که با ملاحظه بر این قضیه و دوسیه عمل زروقّه که به عنوان رأی

^{۳۶} این مأمورین از جانب حکومت سلطان آباد عراق به ریاست هژبرالسلطنه بختیاری در آشتیان بوده و مخارج آنان به عهده مالکین گلشن بود.

آقای گرکانی تقدیم محکمه شود دعوی را خاتمه دهند. و بهر نحو که ایشان به نحو حکمیت یا صلح خاتمه دادند برای هیچیک از طرفین حق اعتراضی باقی نخواهد بود رأی ایشان قاطع خواهد بود و بعد به طور قاطع در صلح کلیه دعاوی فرضیه و احتمالیه هم و کالت دارند.

توضیح اینکه مدت این اختیار و حکمیت از این تاریخ ۶ بهمن ماه ۱۳۱۱ [۱] تا ششم فروردین ۱۳۱۲ است [امضاء] حسین جمالی و عبدالله عطائی [در کنار سند] اسناد آقای میرزا عبدالله خان عطائی آشتیانی را تصدیق می‌نمایم. با حکمیت متن موافقم [امضاء] علی جمالی [در ظهر سند] بر طبق تصدیق آقای آقا محمدکاظم موافقم [۱۳]۱۱/۱۱/۹

سند ۳۲۲

[رسید پرداخت جور گندم بابت چهار حبه قنات گلشن به حسن چنگیزی نماینده میرزا حسین خان]

مقدار ششی من و بیست نه سیر گندم و مقدار بیست و هشت من جو پاک کرده به مبلغ سیزده هزار شاهی بابت چهار حبه ملک قنات التجار آقای آقامیرزا عبدالله خان تاجر عطائی به این جانب مشهدی حسن چنگیزی واصل و عاید گردید و صحیح است به تاریخ ۱۳۴۹ [هجری] [مهر و امضاء] اقل حسن چنگیزی آشتیانی

سند ۳۴۲/۱

صورت مخارج قنات گلشن که به توسط این جانب دفعه سوم به آقای سردار بختیاری عزیز قلی‌خان و نصرالله خان بختیاری ۱۳۳۹ هجری

سند ۳۴۳/۱

صورت مخارج عراق از روز حرکت از آشتیان به تاریخ یازدهم جمادی‌الثانی ۱۳۳۹

سند ۳۴۲/۲

صورت مخارج قنات گلشن به اسدالله‌خان گماشتگان سردار بختیاری و به توسط بنده داده شده توسط اربابعلی ۱۴ شعبان ۱۳۳۹

سند ۵۵ و ۵۶

صورت مخارج عراق بابت قنات گلشن شوال ۱۳۳۹

سند ۲۴۲

[رضایت نامه غلامرضاخان مهابادی از محمدحسن مباشر آقای میرزا حسین خان آشتیانی مدیر دفتر ابتدائی حقوق وزارت جلیله عدلیه اعظم]

۲۵ جمادی‌الثانی ۱۳۳۹ [۱۳]

اینجانب غلامرضاخان از محمدحسن مباشر آقای میرزا حسین‌خان [جمالی] آشتیانی مدیر دفتر ابتدائی حقوق وزارت جلیله عدلیه اعظم کمال رضایت را دارا هستم و از هر قسم خدمت به چاکر را دریغ نکرده امید است جانب مشارالیه را تلافی نمایند. [امضاء] غلامرضا مهابادی

توضیح اینکه دوسیه را که به خط اینجانب است خدا شاهد است مطابق با گفتگوی خود اهالی است و در قیامت هم شهادت آن را خواهم داد. [امضاء] غلامرضا مهابادی

سند ۵۶

[رسید پول به مبلغ پانزده تومان به وکیل عدلیه صادقی از جانب میرزا عبدالله تاجر عطائی]

توسط حضرت عمده التجار والاعیان آقای امیرزا عبدالله تاجر عطائی آشتیانی مبلغ پانزده تومان به اینجانب بابت حق الوکاله رسید که بعداً قبض رسمی صادر نمایم به تاریخ ۹/۱۰/۱۹ [۱۳۰] صادقی وکیل

سند ۶۰

[نامه مدعی العموم عدلیه بدایت عراق^{۳۷}]

در جواب مرقومه نمره ۴۳۴۸ تصدیق می‌دهد به اداره امنیه تعلیمات داده شده که مرتکبین را به دایره استنطاق برای رسیدگی حاضر نماید البته پس از رسیدگی نتیجه را معروض می‌دارد- و نیز قدغن فرمائید به مدعی خصوص آقای آقامیرزا حسینخان مدیر دفتر بدایت طهران اعلام شود که یک نفر نماینده به پارکه معرفی نماید که اگر چنانچه برای تحقیقات لازم شود کسی به محل برود وسائل را تهیه نموده که رسیدگی به تأخیر نیفتد محل مهر مدعی عمومی عدلیه بدایت عراق

سند ۶۱

[شکایت میرزا عبدالله خان تاجر عطائی به وزارت جلیله عدلیه درباره کارمند آن وزارت خانه میرزا حسین خان جمالی ۱۳۰۹ خورشیدی]
مقام منبع وزارت جلیله عدلیه اعظم دامت شوکته

آقامیرزا حسینخان جمالی عضو پرسنلی وزارت جلیله عدلیه اعظم مدت زمانی است به وسایل مختلفه به واسطه ضعف و بیچارگی اینجانب و دور بودن از مرکز و عدم اطلاع کامل به قوانین و بالعکس اقتدار مشارالیه هم در محل و هم در مرکز و اطلاع کامل به قوانین موجبات زحمت و خسارت اینجانب را فراهم آورده و در چندی قبل مرخصی گرفته و به آشتیان آمده و اظهار نامهائی برای بنده ارسال داشته و از طرفی هم در مقام اقامه شهود کاذبه و تلقینی و دستوری برآمده که از راه اضطرار در مقام متظلم به آستان مبارک برآمده و به طور اختصار به شرح ذیل جسارت و اقدامات خلافه رویه مشارالیه را معروض می‌دارد- دو سال قبل آقای جمالی از حسن نام زارع خود که او را به طهران می‌خواهد به دایره استنطاق تظلم می‌کند که من ده سال قبل ۲۵ رأس گوسفند نزد حسن امانت گذارده و خیانت در امانت کرده مستنطق حسن را احضار کرده و حسن هم پس از حضور فوراً اظهار کرده بلی ۲۵ رأس گوسفند از آقای جمالی نزد من امانت بوده ولی میرزا عبدالله در ده سال قبل بزور گوسفندها را از طویله من خارج و برد مستنطق هم را به قید کفیل آزاد می‌کند و آقای جمالی که از او متظلم شده کفیل او می‌شود و حسن به مساعدت آقای جمالی چند نفر اشخاص معلوم الحال در دایره استنطاق شاهد حاضر می‌کند که شهادت می‌دهند بلی ما شنیدیم که میرزا عبدالله گوسفند را برد و مستنطق قرار منع تعقیب صادر نموده و پس از آن میرزا حسینخان در محکمه صلح طهران اقامه دعوی بر حسن می‌نماید مدعی به ۲۵ رأس گوسفند و حسن هم این بنده را جلب محاکمه می‌نماید و شهودی تهیه می‌کند از جمله آقا غلامعلی تاجر که شرحی نوشته و شهادت داده محکمه صلح این جانب را محکوم کرد بتأدیه ۲۵ رأس گوسفند و استیناف هم حکم صلح را تأیید نمود این جانب تمیز خواستم- تمیز که شعبه ثانیه استیناف باشد حکم را نقض و دوسیه را به آشتیان نزد نایب الحکومه ارسال داشت برای تکمیل تحقیق که آقای جمالی هم به آشتیان آمده خوش بینانه سه ورقه به خط آقای جمالی به دست آمده که یک ورقه آن ورقه رسمی وزارت عدلیه است و دو ورقه آن کاغذ سفید عادی است. که به آقاغلامعلی تاجر دستور شهادت داده که بچه ترتیب و چه کیفیت شهادت بدهد که خواستم نکرد اینک سواد مصدق اوراق مزبور را به اداره پست آشتیان تصدیق نموده لطفاً تقدیم داشت و اصل آن هم نزد آقای میرزاعلی اصغرخان ماجدی گرگانی وکیل اینجانب است که در صورت لزوم از ایشان بخواهید تقدیم می‌دارد اینک وجداناً و انصافاً یک نفر مستخدم وزارت عدلیه که در صد اقامه شهود تلقینی و دستوری برآید و کتباً دستور شهادت کذب و دروغ دهد و سوء استفاده از استخدام خود کند و اعمال نفوذ و قدرت نماید و مردم را وادار به شهادت کذب کند و مردم هم از خوف و وحشت با طمع حاضر شوند آیا مستحق مجازات نیست- و نیز آقای جمالی در آشتیان اظهارنامه برای بنده ارسال داشته که مضمون اظهارنامه کاملاً دلالت بر تعدی و تجاوز او می‌نماید که در اظهارنامه برخلاف رویه قانونی را برای کسی ارسال می‌دارد که سواد مصدق آن را بیچارگان تقاضا دارد امر و قدغن فرمائید رسیدگی نمائید و آنچه قانون حکم می‌کند درباره ایشان مجری دارند.

سند ۴۱۶

[طرح شکایت از میرزا عبدالله تاجر بابت ۲۵ رأس گوسفند از جانب میرزا حسین جمالی ۱۳۹۹ و تأیید دستخط میرزا حسین از جانب مدیریت آشتیان و میرزا اسماعیل خان نورائی ابن علی اکبر]

حضور محترم آقای غلامعلی تاجر مشرف است- مورخه- شهر- ۱۳ مطابق برج ثیل- ضمیمه- نمونه ۶- دیوانخانه عدلیه- محکمه- شعبه - اداره - فدایت شوم دستخط مبارک رسید اینکه تأخیر در جواب شد علت آن گرفتاری آقای نورائی بود اینکه موفقیت حاصل نموده و عازم گردید اولاً هیچوقت در هیچ جا نگوئید که من با میرزا عبدالله گوسفندها را بردیم گردن شما را می‌گیرد بگوئید که خود میرزا عبدالله آمد برد و در فلان دفتر هم وارد کرد در مسئله میرزا ابراهیم من^{۳۸}

سابقه شراکت شما را ندارم که کاملاً مسبوق باشم در قضیه گندم تاریخ واگذاری گندم را تعیین نمایند همه جور در خدمات حاضر کوتاهی ندارم مضایقه نمی‌کنم
زیاده قربانت حسین جمالی - ل - ۱۳۹۹]

[با تأیید دستخط میرزا حسین خان جمالی از جانب]

سواد مطابق با اصل است - مدیر پست آشتیان میرزا باقرخان زرین بال و [مهر] پستخانه مبارکه آشتیان - سواد مطابق با اصل است که ملاحظه شد [امضاء]
اسمعیل نورائی [و مهر بیضی] اسمعیل ابن علی اکبر

سند ۶۳

[صلح نامه نهائی دعوی میرزا عبدالله خان تاجر علائی با میرزا حسین خان جمالی با وساطت میرزا علی اصغر ماجدی گرکانی وکیل عدلیه به تاریخ ۱۳۱۱خ]

در موضوع دعوی اقامه شده از طرف جناب مستطاب اجل آقای میرزا حسین خان جمالی بر آقای میرزا عبدالله خان عطائی مطروحه در شعبه ۱ محکمه استیناف در خصوص دعوی خسارت وارده بر قنات گلشن و مطروحه در شعبه ثانیه محکمه استیناف راجع به دعوی ۲۵ رأس گوسفند و سایر دعاوی متصوره آقای جمالی غیرمطروحه در محاکم کائناً ماکان از هر جهت و هر بابت و نیز در خصوص دعوی متصوره آقای عطائی بر آقای جمالی کائناً ماکان از هر بابت که طرفین مطابق بیک طغری ورقه ممضی بامضاء خودشان مضبوطه نزد اینجناب غروب روز شنبه ۲۵ شهریور است دعوی آنان را بر یکدیگر به حکومت یا اصلاح خاتمه دهم اینک در تاریخ ذیل پس از مذاقه در اطراف قضیه و اصل مبانی دعاوی و حفظ شرافت و حیثیت طرفین و اینکه طرفیت موجب خسارت برای هر دو طرف می‌شود و حکومت در قضیه هم از جهاتی صلاح نبود لذا به شرح ذیل کلیه دعاوی طرفین را بر یکدیگر چه از بابت اصل و از چه از بابت خسارات وارده و چه دعاوی مطروحه در محاکم عدلیه و چه غیرمطروحه به عبارت آخری کلیه دعاوی متصوره طرفین را به طوریکه تا تاریخ امروز حق هیچ نوع دعوائی بر یکدیگر نداشته باشند بصلح و صلاح خاتمه داده و اجرای صیغه صلح را نمودم. مصالحه صحیحه شرعیه قطعیه نمودم کلیه دعاوی متصوره آقای جمالی را بشرح سابق الذکر و بر حسب اختیار یک باینجناب داده شده بود من که بر آقای عطائی داشت و دارد اعم از مطروحه در محاکم عدلیه و غیرمطروحه کائناً ماکان با آقای عطائی در عوض مال الصلح موازی ۲۵ رأس گوسفند که آقای جمالی از آقای عطائی بوسیله اجرا و نایب الحکومه آشتیان گرفته و برده که دیگر آقای عطائی حقی بر گوسفندهای مزبور که آقای جمالی گرفته و برده نداشته باشد و مبلغ دویست تومان وجه رایج که عبارت از دو هزار ریال باشد و از دو زیوار آب جمعه‌گی قصبه آشتیان که در گردش هشت می‌باشد یک زیوار حق آقای جمالی باشد و یک سیر نبات جمالی کائناً ماکان به طوریکه آقای عطائی هم تا تاریخ امروز حق هیچ نوع دعوائی بر آقای جمالی نداشته باشد و صیغه مصالحه شرعیه قطعیه به شرح مزبور ساری و جاری گردید که دیگر طرفین جز آنچه در این ورقه درج گردیده حق هیچ نوع دعوائی و سخنی بر یکدیگر ندارند و کان و لا به تاریخ صبح شنبه پنجم شهریور یک هزار و سیصد و یازده شمسی - ۱۳۱۱ [امضاء] علی اصغر گرکانی

سند ۶۴

[صلح نامه آقای جمالی و عبدالله عطائی با وکیلی تام الاختیاری آقای گرکانی^{۳۹} و ثبت در وزارت عدلیه ۱۳۱۱/۷/۹]
[آرم شیر و خورشید]

وزارت عدلیه

در موضوع دعوی اقامه شده از طرف این جانب میرزا حسین خان جمالی با آقای میرزا عبدالله خان عطائی که در شعبه ثالثه محکمه استیناف استیفاً و شعبه ثانیه محکمه استیناف غیر مطرح است و نیز راجع به کلیه دعاوی غیرمطروحه کائناً ماکان از هر جهت و هر بابت چه از بابت خسارت وارده از محکمه و غیره و ضامن‌الوجود الی تاریخ ذیل هیچ نوع دعوائی و حقی برای اینجناب متصور نخواهد بود و نیز در خصوص کلیه دعاوی متصوره این بنده میرزا عبدالله خان عطائی بر آقای میرزا حسین خان جمالی از هر جهت و هر بابت کائناً ماکان به قسمتی که تا تاریخ ذیل هیچ نوع حقی و دعوائی برای بنده باقی و متصور نخواهد بود و در ضمن عقد خارج لازم شرعی از تاریخ ذیل در کلیه دعاوی طرفین به شرح سابق الذکر تا پنج روز دیگر حکمیت دادیم به جناب مستطاب اجل عالی آقای آقامیرزا علی اصغر ماجدی گرکانی به هر ترتیب و کیفیت که مقتضی و صلاح طرفین را بدانند اظهار عقیده فرموده و رای بدهند رای و عقیده ایشان تعلق به دعوی اظهار عقیده فرموده و رای بدهند و رای و عقیده ایشان تعلق به دعاوی طرفین نافذ و مجری و عقلی خواهد بود و قابل هیچ نوع ایراد و اعتراض از طرف اینجناب نخواهد بود دیگر قابل استیناف و ثمر هم نمی‌باشد و هر یکی از طرفین که بخواهیم آغاز سخن و دعوائی بنمائیم ملزم هستیم که مبلغ پانصد تومان مجاناً به طرف بدهیم و به شرح سابق الذکر طرفین حق و اعتبار هر گونه صلحی را به جناب آقای ماجدی دادیم که مختار باشند که بتوانند به صلح و اصلاح دعاوی طرفین را از هر جهت و هر بابت خاتمه بدهند و صلح کنند دیگر به هیچ وجه حق اعتراض نخواهیم داشت و معترض ملزم بتأدیه

^{۳۹} . میرزا علی اصغر خان گرکانی از وکلای زبردست عدلیه اعظم در طهران و راهنمای رساله دکتر مصدق درباره قانون ارث در مذهب شیعه.

مبلغ پانصد تومان است به مجرد اعتراض و آغاز سخن خواهند بود حکمیت و اختیار صلح از تاریخ امروز تا مدت پنج روز خواهد بود به عبارت آخری تا غروب روز ششم شهریور می‌باشد به تاریخ اول شهریور ۱۳۱۱ عبدالله عطائی - این بنده به طوریکه ورقه مزبور تفهیم شده اختیارات خود را به وجدان پاک حضرت آقای ماجدی واگذار نمودم حسین جمالی - راجع به آب جمعه‌گی در حدود قراردادیکه با مالکین دشت شده عمل می‌شود امضا جمالی سواد مطابق اصل و اصل نزد ابراز کننده مشاهده شد
[۱۳]۱۱/۷/۹

[با مهر] دفتر کل استیناف - تطبیق سواد با اصل - خطیبی

[تمبر] عدلیه طهران فروردین ۱۳۰۹

[با مهر] ورود به دفترخانه [۱۳]۱۱/۷/۹ خطیبی

سند ۶۵

[شکایت میرزا حسین خان جمالی در بابت بردن تیر و تخته قلعه مستوفی الممالک آشتیان و جواب میرزا عبدالله خان عطائی آشتیانی ۱۲

شهریور ۱۳۰۹]

[آرم شیر و خورشید]

وزارت عدلیه اعظم

«ورقه اظهاریه»

اظهارکننده: آقامیرزا حسینخان جمالی آشتیانی مدیر دفتر تفتیش قضائی وزارت عدلیه اعظم

موضوع اظهاریه: بیست و چهار ساعت آب جمعه‌گی و جلوگیری فساد و خسارت وارده .

مخاطب: میرزا عبدالله عطائی آشتیانی

با اینکه به خوبی مستحضر و تصدیق دارید بر اینکه کلیه علاقجات آقای مستوفی الممالک^{۴۰} را در آشتیان در تاریخ^{۴۱} ۳۷ اینجانب خریداری نموده و مالک و متصرفم جنابعالی در مرحله اولیه برای جلوگیری از چند حلقه چاهی در باغ ملکی شما عبور می‌نمود ممانعت نمودید به سبب خسارات فوق العاده و کشمکش اینجانب با اهالی آشتیان شدید که در نتیجه اهالی آشتیان از انات و ذکور و صغیر و کبیر اعیان و اشراف تاجر، کاسب ریختند تمام تیر و تخته و آجر و سنگ، در و پیکر خاک و خاشاک عمارت مرا شب و روز به سرقت بردند و چندین هزار تومان خسارت وارد آوردند و از این عمل شدم سرکرده اخیراً یا همان اشرار و دزدهای قبلی متفق شده نسبت به آب جمعه‌گی مداخله نموده درصدد تضییع حقوق بر آمده‌اید و حال آنکه در محضر اصرار حکام شرع مطاع تصدیق به مالکیت و حقانیت من نموده‌اید معذالک بازهم در خیال تصاحب بیست و چهار ساعت آب ملکی من هستید لذا به وسیله این ورقه به شما اخطار می‌نمایم که این حرکات خودسرانه و قوه قهریه شخصی و مزاحمت مستأجرین مخالف با قوانین مملکتی است مطابق قانون جزای عمومی تعقیب خواهید شد چرا که این ورقه را در صفحه بعدی مرقوم دارید که تکلیف قانونی خود را بدانیم - جمالی

مخاطب: میرزا عبدالله خان عطائی آشتیانی

[مهر] دفتر محکمه ابتدائی طهران شعبه ۳ مرکز

شرحی را که مرقوم داده‌اید زیارت فرمائید سرکار سواد یکسدت است در باب بردن تیر و تخته قلعه بی‌اطلاع آب و ملکی را که متصرفم حق من است مورخه

۱۲ شهریور ۱۳۰۹ [۱]

سند ۶۶

[مصالحه‌نامه قطعی میرزا حسین با میرزا عبدالله و اربابعلی عطائی بابت اندرونی قلعه مستوفی الممالک و قنات گلشن آشتیان جمادی الاولی

۱۳۴۸]

[آرم شیر و خورشید] وزارت عدلیه

و بعد غرض از تحریر کلمات شرعیه الدلات آنست که حضور به هم رسانیدند جناب مستطاب اجل عالی آقای میرزا حسین خان جمالی آشتیانی دام اقباله بندگی جناب مستطاب اعتمادالاعیان افتخار الحاج حاجی آقاابراهیم زیده اجلاله در حالت اجتماع کافه و شرایط معتبره در صحت اقرار شرعیه با الطوع و الرغبة والاختیار و بعدالحضور مصالحه صحیحه شرعیه جازمه قطعیه نمود همگی و تمامت حقوق و دعوی خودشان را از بابت مجامه و مخارج گلشن کائناً ماکان با لفاً ولوماتین به پنجهزار تومان باشد و از بابت قیمت قلعه اندرون مستوفی الممالک که در جز مخارج محسوب شد من دون استثنائی منها که از جانب عمده الاعیان و الاشراف

^{۴۰} قلعه میرزا یوسف مستوفی الممالک [آقا] واقع در آشتیان.

^{۴۱} سال ۱۳۳۷ هجری این قلعه و املاک مستوفی الممالک توسط میرزا حسین خان جمالی خریداری شد.

آقای آقامیرزا عبدالله خان و آقای اربابعلی عطائیان دام اقبالها ولدان مرحوم مغفور کربلانی اکبر طاب ثراه داشته بمال المصالحه معین مشخص چهارصد تومان وجه نقد رایج و مقدار پنجسیر نبات معمولی ماخوذ و مقبوض فی المجلس در حق جناب مستطاب آقامیرزا عبدالله خان عطائی فوق الذکر دام اقباله و صیغه مصالحه شرعیه علی الاحساب و القبول اظهارات فی شرع الرسول بینهما واقع و جاری گردید و در ضمن عقد خارج لازم شرط شد و جناب مرقوم بر اینکه هرگاه در ذیل این تاریخ لغایت پنجاه عام کشف و فساد در مورد صلح فوق گردید باید به نحوی از آنجا در مقام ادعا از بابت مخارج گلشن به هر عنوان بوده باشد برآیند مبلغ سه هزار تومان مجاناً و بلاعوض دادنی باشند بنابراین مصالح را هیچ حقی و ادعائی راجع نمی‌بایست و مخارج گلشن و قیمت قلعه برای مصالح باقی نیست دکان و کلاهی یوم دوازدهم شهر جمادی الاول من شهر سنه ۱۳۴۸ حسین جمالی

[شاهدان] حاج عباس صالحی - محمدجعفر - غلامرضا تفرشی - حاج محمداسمعیل رنگرز آشتیانی - اصغر البرز ابن حاج تقی - علی اکبر سلیمی آشتیانی [آمنه] - غلامعلی آشتیانی ابن نجفعلی رمضان - حسین جمالی.

سواد مطابق اصل و اصل نزد ابرازکننده مشاهده شد [امضاء] خطیبی ۱۰/۴/۱۰ [۱۳]

[ورود به دفتر وزارت عدلیه] نمره ۲۲۹۰

سند ۶۷

[قرارداد حق الوکاله میرزا عبدالله عطائی به سال ۱۳۱۰]

قرارداد حق الوکاله در تاریخ ۱۳۱۰/۹/۲۷ آقامیرزا عبدالله عطائی به وکالت آقامیرزا علی اصغر خان ماجدی [گرکانی] وکیل عدلیه و دارای جواز نمره ۹ در موضوع آقامیرزا حسین جمالی آشتیانی توضیحات آنکه کلیه حق الوکاله آقای گرکانی مبلغ یکصد تومان است که پس از مرحله استیناف اعم از اینکه حکم بدایت قم نقض شود یا تأیید باید تأدیه شود و نیز دفاع در مرحله تمیز هم اگر منجر شود به عهده آقای گرکانی و اگر هم قضیه اصلاح شود باز هم مبلغ مزبور را باید بپردازم.

